



زخم‌های کهنه کشمیر

در سوم دسامبر 1971 برابر با دوازدهم آذر سومین جنگ میان هند و پاکستان اتفاق افتاد. در گزارشی که خواهید خواند جنگ‌های سه گانه بین دو کشور و دلایل و نتایج آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در سوم دسامبر 1971 برابر با دوازدهم آذر سومین جنگ میان هند و پاکستان اتفاق افتاد. در گزارشی که خواهید خواند جنگ‌های سه گانه بین دو کشور و دلایل و نتایج آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

زمانی که دو کشور پاکستان و هند در شبه قاره هند، کشورهای مستقلی را در 65 سال پیش تشکیل دادند این دو منطقه کانون درگیری‌های قومی شد. از همان ابتدا کشمیر به عنوان محلی برای منازعه بین این دو کشور پر جمعیت درآمد و ادعاهای ارضی درباره این منطقه از سوی پاکستان و هند مطرح شد.

اولین بهانه عبور نیروهای نظامی هند از خط آتش بس سال 1949 بود. یک گردان هندی در ماه می همین سال یک پاسگاه پاکستانی را در کارگیل اشغال کرد و در پی اعتراض مردم کشمیر در ماه ژوئن همان سال، هند 150 هزار نیروی خود را روانه شمال کشورش کرد.

با توجه به مسلمان بودن مردم کشمیر این اقدام هند اعتراضات عمومی را در این منطقه و پاکستان برانگیخت و نیروهای داوطلب برای آزادی کشمیر آماده بودند تا از مرز پاکستان بگذرند و با هندیان درگیر شوند.

نبرد اول

حرکت نظامی هند در آغاز سریع بود و هندی‌ها در روند پیشروی خود تا عمق 40 کیلومتری پاکستان رسیدند. در واکنش به این اقدام، ژنرال ایوب خان رهبر پاکستان با اعلام بسیج عمومی به مقابله با نیروهای هندی پرداخت و در اول سپتامبر نیروهای پاکستانی در جنوب راولپندی (اسلام‌آباد) موفق شدند چند پاسگاه مرزی هند را تصرف کنند.

ژنرال ایوب‌خان در این زمان دستور بسیج قوا برای برخورد با نیروهای هندی را داد حال آن‌که در این زمان نیروهای هندی به 21 کیلومتری مظفرآباد (مرکز کشمیر پاکستان) رسیده بودند.

برای مقابله با پیشروی نیروهای پاکستانی، هند با کمک نیروی هوایی خود ضرباتی به صدها تانک و خودروی پاکستانی وارد کرد که گرچه لطمه زیادی به لحاظ نظامی به ارتش این کشور وارد شد اما با پایداری پاکستانی‌ها جلوی پیشروی هندی‌ها گرفته شد.

هند که از حملات هوایی خود بهره کافی را نبرده بود با گشودن جبهه جدید علیه رقیب، نیروهای خود را در نزدیک لاهور پاکستان متمرکز کرد و سعی داشت که از سه جناح برای تسخیر این شهر اقدام کند. ارتش هند با این‌که به لحاظ تعداد نیروها برتری چهار بر یک نسبت به ارتش پاکستان داشت اما در حمله به لاهور ناکام ماند و از سوی دیگر نیروی هوایی هند نیز در برخورد نظامی توان خود را از دست داد. در این نبرد در عین حال پاکستانی‌ها در نبرد زمینی صدمات فراوانی از ارتش هند دیدند. هندی‌ها نیز 70 هواپیمای خود را از دست دادند اما در طرف مقابل 19 هواپیمای پاکستانی ساقط شد.

آمار کشته‌ها از دو طرف بالا می‌رفت و براساس گزارش‌های منتشر شده بین هفت تا ده هزار نفر در این درگیری‌ها کشته شدند. ادامه این روند جامعه جهانی را به واکنش واداشت. از یک سو چینی‌ها که تجربه نبرد با هند را داشتند، این کشور را تهدید به مداخله نظامی کردند و از سوی دیگر جامعه جهانی و برخی از شخصیت‌های بین‌المللی مثل جمال عبدالناصر هم با توجه به بی‌نتیجه بودن این درگیری‌ها تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای پایان منازعه بین دو کشور افزایش دادند. این روند در نهایت باعث شد که دو کشور به ترک مخاصمه روی آورند و اولین جنگ میان هند و پاکستان بدون نتیجه پایان یافت.

هجدهم آوریل 1948 شورای امنیت به علت عدم پیشرفت توافق بین هند و پاکستان قطعنامه‌ای را که از سوی کشورهای کانادا، بلژیک، چین، کلمبیا، فرانسه و آمریکا تهیه شده بود، صادر کرد. بندهای این قطعنامه عبارت بود از:

1- عقب‌نشینی نیروهای دو کشور از کشمیر

2- افزایش اعضای کمیسیون کشمیر سازمان ملل از سه عضو به پنج عضو

3- مراجعه به آرای عمومی، تحت نظارت دفتر انتخاباتی که مدیر آن را دبیرکل سازمان ملل تعیین کند.

طی این جنگ، پاکستان حدود یک‌سوم از سرزمین کشمیر را که قسمت‌های بلتستان و گلگیت را شامل می‌شد، تحت عنوان کشمیر آزاد از هندوستان جدا ساخت.

نبرد دوم

پنجم آگوست 1965 بحران جدیدی در کشمیر آغاز شد، زیرا هندی‌ها، پاکستان را متهم کردند که سپاهیان پاکستانی از خط آتش‌بس به آن سمت نفوذ کرده و به سوی کشتی‌های هندی تیراندازی می‌کنند و این اتفاق، آغاز جنگی دوباره میان دو ملت بود.

نهم جولای 1965 یکی از رهبران کشمیر به نام میرواعظ محمد فاروق بصراحت اعلام کرد که مردم کشمیر، هندی‌ها را از منطقه بیرون خواهند کرد. در هشتم آگوست 1965 شورای انقلابی کشمیر تشکیل شد و به نمایندگی مردم کشمیر، تمام معاهده‌هایی را که تا آن زمان میان حکومت‌های کوچک و بزرگ کشمیر و دولت هند، منعقد شده بود مردود اعلام کرد. این شورا همچنین اعلام کرد که جنگ مردم کشمیر تا اخراج نیروهای هند ادامه خواهد یافت. مسلمانان کشمیر نیز دعوت شورای انقلاب را پذیرفتند و به جریان مقاومت پیوستند.

تعدادی از ساکنان کشمیر آزاد نیز از خط آتش‌بس گذشته و به یاری نهضت آزادی‌بخش کشمیر شتافتند. حکومت هند، پاکستان را متهم کرد که نیروهای مسلح خود را برای انجام فعالیت‌های خرابکارانه به کشمیر می‌فرستد. به این بهانه هند تعداد نیروهای خود در کشمیر را به چند برابر رساند که در نتیجه خشونت‌ها افزایش یافت.

حکومت هند که دولت پاکستان را در این ناآرامی‌ها دخیل می‌دانست، تلاش کرد به دنیا بقبولاند که این شورش‌ها مردمی نیست. لعل بهادر شاستری، نخست‌وزیر هند اعلام کرد که چون عمال پاکستان سبب تظاهرات و طغیان مردم در جامو و کشمیر شده‌اند، حکومت هند ناچار خواهد بود برای اعاده امنیت و فرونشاندن قیام به قوه‌قهریه متوسل شود.

در جریان اوج تظاهرات و ناآرامی‌های مردم کشمیر در آگوست 1965 نیروهای هند با عبور از خط آتش‌بس دست به تهاجم نظامی علیه پاکستان زدند. چاوان، وزیر دفاع هند، در توجیه این حمله گفت که نیروهای هند به دلیل جلوگیری از هجوم نیروهای پاکستان از خط آتش‌بس گذشته‌اند.

جنگ با شدیدترین برخوردهای نظامی در 20 روز اول سپتامبر 1965 ادامه داشت. اف. شیویل خبرنگار ویژه روزنامه فرانسوی فیگارو سیزدهم اکتبر 1965 در گزارشی مشاهداتش از جنگ را چنین منعکس می‌کند: دو ماه است که در کشمیر جنگ چریکی جریان دارد و از هفته‌ها پیش تاکنون به دلایل شرایط سخت مبارزه، صف‌های طولی از مهاجران به سوی کشمیر آزاد تشکیل شده است. این روستاییان بدبخت از خانه‌های خود رانده شده‌اند، در حالی که خاطرات روستاهای آتش زده شده، زنان تجاوز شده و انسان‌های در حال مرگ را با خود همراه دارند. سرانجام با پا درمیانی سازمان ملل و روسیه طی موافقتنامه تاشکند هر دو طرف متعهد شدند که برای حل منازعات خود به قوای نظامی متوسل نشوند و به این صورت جنگ دیگری به پایان رسید، اما بحران کشمیر و تیرگی روابط هند و پاکستان همچنان ادامه یافت.

نبرد سوم

بعد از پایان دومین جنگ هند و پاکستان بار دیگر ناآرامی‌ها و آشوب‌های داخلی پاکستان آغاز شد. افکار تجزیه‌طلبانه در پاکستان شرقی شدت گرفت که با احیای ناسیونالیسم بنگالی زمینه‌ساز سومین جنگ هند و پاکستان شد.

مسلمانان پاکستان شرقی که از نابرابری امکانات با پاکستان غربی به ستوه آمده بودند، چاره را در خیزش اجتماعی و اعلام استقلال از پاکستان غربی یافتند. بنگالی‌ها به دلایل زیر خواستار استقلال و ایجاد کشوری مستقل به نام بنگلادش بودند؛

1- فاصله جغرافیایی میان دو نیمه پاکستان

2- تبعیض در صرف بودجه‌های نظامی که بیشتر در ارتش پاکستان غربی مصرف می‌شد.

3- اکثر مقامات و مشاغل حکومت مرکزی در دست اهالی پاکستان غربی بود.

4 - بیشتر کارخانه‌های بنگال به مردم پاکستان غربی تعلق داشت.

5 - بنگال شرقی به صورت منطقه‌ای کشاورزی و تولیدکننده مواد خام باقی ماند.

مخالفت دولت و رهبران ارتش و احزاب سیاسی پاکستان غربی با خواسته بنگالی‌ها به مهاجرت آنان به سوی ایالت‌های همجوار در هند منجر شد. ده میلیون مهاجر بنگالی به هند رفتند.

مشکلات عدیده ناشی از این مهاجرت و اختلاف‌های دیرینه هند و پاکستان انگیزه‌ای برای شروع جنگ سوم هند و پاکستان شد.

بیست و پنجم مارس 1971 جنگ داخلی پاکستان با فرمان پریزدنت یحیی خان به نیروی هوایی و تانک‌ها برای درهم شکستن جنبش پاکستان شرقی آغاز شد. نزدیک به یک میلیون نفر از مردم پاکستان شرقی یا در جنگ کشته یا اعدام شدند.

به علت حضور سپاهیان هند سوم دسامبر 1971 در شرق پاکستان جنگ شعله‌ور شد. در زد و خوردهای 14 روزه، نیروی هوایی و دریایی برتر هند به آسانی نیروهای پاکستان را در محاصره خود قرار داد و از رسیدن آذوقه به پاکستانی‌ها به هر طریق جلوگیری کرد. ششم دسامبر، هند دولت بنگلادش را به رسمیت شناخت و شیخ مجیب‌الرحمان، رهبری این کشور جدید را در بیست و یکم ژانویه 1972 به دست گرفت.

به این صورت با شکست ارتش پاکستان در بخش شرقی، در پاکستان غربی نیز آتش‌بس برقرار شد و بنگلادش به عنوان کشوری مستقل به آرامش رسید، اما آنچه کماکان بدون حاصل باقی ماند، درگیری‌های دو دولت به خاطر حاکمیت بر سرنوشت مردم ستمدیده کشمیر است.

اگر قطعنامه سازمان ملل مبنی بر آرای مردم کشمیر اجرایی می‌شد یا طبق قولی که لعل جواهرنهری به جهانیان داد تا با رای مسلمانان کشمیر، سرنوشت آن منطقه مشخص شود، احتمالاً این منطقه امروز جزئی از خاک پاکستان به شمار می‌رفت، اما هم‌اکنون مردم ایالت کشمیر خواهان استقلال هستند و تاکنون به نتایج دلخواه خود نرسیده‌اند.

شهاب سلیمی / جام جم